

# در کوی دانشگاه چه گذشت؛

گفت‌وگو با مهندس عزت‌الله سبحانی

■ آقای مهندس، به جهت این که در آستانه چهارمین سالگرد واقعه کوی دانشگاه در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ قرار گرفته‌ایم، در نظر داریم مروری مجدد بر این حادثه و آنچه در جریان این واقعه روی داد داشته باشیم؛ خاطرات شما از این حادثه و عکس‌العمل دانشجویان و فعالیت افراد برای آرام کردن فضای بحرانی، به روشن شدن زوایای مختلف این نوع حوادث کمک کرده و از فراموش شدن آن در اثر گذشت زمان و در لابه‌لای صفحات تاریخ جلوگیری می‌کند. شما چگونه از این واقعه اطلاع یافتید؟

□ از یکی دو روز قبل از ۱۸ تیر ۷۸ ما شنیده بودیم که در دانشگاه‌ها، ناآرامی‌هایی هست. این جو ناآرام به جهت رفتارها و روند خشونت‌ی بود که لحظه‌به‌لحظه افزایش پیدا می‌کرد و به همین جهت اعتراضاتی می‌شد. بعضی از روزنامه‌ها هم تعطیل شده بودند، روزنامه "سلام" هم در آخرین روزهای قبل از این حادثه توقیف شد. همین مسائل موجب اعتراض دانشجویان گردیده بود. در روز حادثه من در شهر نبودم و از جریان اطلاعی نداشتم. عصر روز جمعه ۱۸ تیر که به منزل بازگشتم، یکی از مهمان‌هایم نقل می‌کرد، هنگامی که از چهارراه امیرآباد اتفاقی عبور می‌کرده، متوجه جماعت و مأمورانی شده‌ام که مشغول شستن و تمیز کردن خیابان بوده‌اند!! با شنیدن این خبر بسیار نگران شدم و به این سو و آن سو زنگ زدم. بالاخره توانستم با آقای علیجانی سردبیر ایران فردا تماس بگیرم. آن وقت بود که دانستم در شب قبل، عده‌ای از دانشجویان در باغ کوی تظاهرات می‌کردند و به تعطیلی روزنامه‌ها اعتراض می‌نمودند. سپس به تدریج نیروهایی به محل آمده و سر چهارراه امیرآباد جمع شده‌اند و بعد که تعدادشان زیاد شده است، از نو به طرف کوی حرکت کرده‌اند. نیروهای لباس شخصی هم به آنها ملحق شده‌اند و به داخل کوی حمله کرده و در طول شب به ضرب و شتم و تخریب اتاق‌ها و وسایل دانشجویان می‌پردازند که همگی این وقایع را شنیده و دیده‌اند. این حملات تا حوالی صبح هم ادامه می‌یابد، البته این مطالب را برای من نقل کرده‌اند.

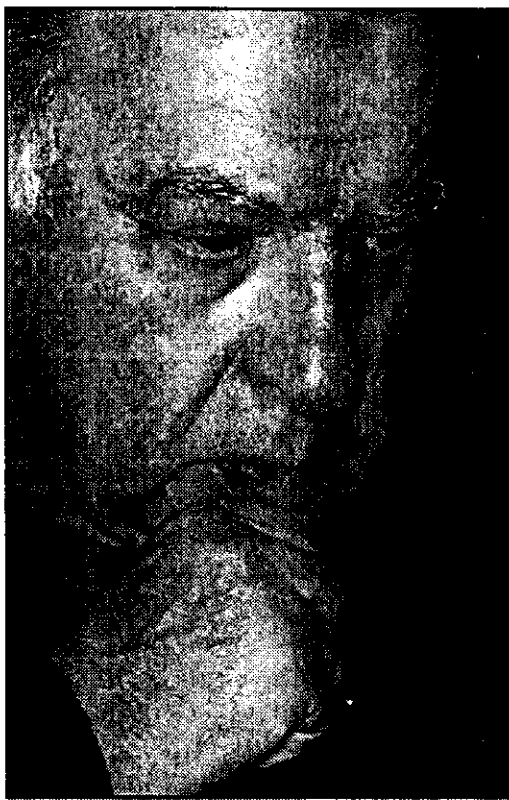
فردای آن روز، همگی خبرها را دنبال می‌کردیم و هر لحظه خبرهای بد و ناخوشایندی می‌رسید، حتی گمان می‌کردیم علاوه بر زخمی‌ها، چند نفری هم کشته شده‌اند. از طرفی دانشجویان هم که درد کشیده و بسیار ناراحت بودند، تحصن کرده و امکان داشت حرکت اعتراضی به خیابان‌ها کشیده شود! همین موضوع هم بیشتر ما را نگران می‌کرد. نزدیک ظهر (یکشنبه ۲۰ تیر) بود که از طرف دفتر تحکیم وحدت به ما زنگ زدند و گفتند: "بهتر است مهندس سبحانی بیاید و با این دانشجویان صحبت کند و آنان را که بسیار خشمگین شده‌اند، قانع نماید تا قدری آرام شوند."

من هم بلافاصله قبول کردم و در اولین ساعات بعدازظهر، به اتفاق دوستان دیگر که در دفتر مجله ایران فردا حضور داشتند، به طرف کوی دانشگاه حرکت کردیم. در خیابان امیرآباد انبوه جمعیت و حضور مأمورین، راه عبور را بسته بود و نتوانستیم از در اصلی وارد کوی دانشگاه شویم. به همین دلیل از طرف بزرگراه چمران، از پشت محوطه کوی از راه فرعی، خود را به این مکان رساندیم و از بیراهه وارد شدیم.

■ از راه نرده‌ها به داخل کوی دانشگاه رفتید؟

□ خیر، از نرده‌ها نرفتیم. یک راه فرعی باز بود و ما از طریق آن وارد محوطه کوی دانشگاه شدیم. در کوی یکی از دانشجویانی که می‌شناختم ما را راهنمایی کرد و ما به کمک او به طرف میدان مرکزی کوی رفتیم و مشاهده

همان‌طور که در شماره‌های گذشته نیز اشاره شد، نشریه چشم‌انداز ایران در نظر دارد تا دریچه‌ای جدید در جهت بررسی جنبش دانشجویی ایران و به خصوص شناخت نقاط عطف این جنبش که در سه حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲، اول بهمن ۱۳۴۰ و ۱۸ تیر ۱۳۷۸ برجسته و متجلی شده است، بگشاید. در این راستا، در آستانه چهارمین سالگرد یکی از این وقایع، یعنی ۱۸ تیر ۱۳۷۸، با مهندس عزت‌الله سبحانی که از جمله فعالین و شخصیت‌های مطرح سیاسی‌ای بودند که در میان دانشجویان در کوی دانشگاه تهران حاضر شدند و برای آنها به سخنرانی پرداختند، به گفت‌وگو نشستیم. همچنین از دکتر حبیب‌الله بیمان نیز درخواست شد تا خاطرات و دیدگاه‌های خود را در مورد این حادثه و آن روزها، برای خوانندگان نشریه بازگو کند.



بازتاب تلخی که این  
حادثه در جامعه،  
به ویژه در جامعه  
دانشجویی باقی  
گذاشت، از یک سو و  
پیش رفتن و  
عدم رسیدگی به  
دادخواهی ها، از  
سوی دیگر، یک  
نومیدی در میان مردم  
ایجاد کرد، به ویژه  
دانشجویان پس از  
این اتفاقات نسبت به  
عمل و شیوه منطقی و  
اعتراضات  
مسالمت آمیز  
دانشجویی احساس  
سرخورگی کردند

کردیم که آنجا خیلی شلوغ است. در آنجا جمعیت بسیار زیادی از دانشجویان جمع شده بودند و بسیار ناراحت بودند. صحبت های زیادی هم از سر "درد" ولی "داغ" و بی پروا شده بود! چند تن از دوستان ما و شخصیت ها و مسئولان نیز آنجا بودند.

■ آیا شما صحبت های مسئولان و کسانی را که در آنجا بودند شنیدید؟

□ خیر، من سخنرانی شخص دیگری را نشنیدم، ولی مطرح می کردند که بعضی از مسئولان و دوستان دیگر برای آرام کردن بچه ها صحبت هایی ایراد کرده اند، ولی با عدم پذیرش یا اعتراض یا "هو" کردن دانشجویان مواجه شده اند. حتی وزیر کشور (آقای موسوی لاری)، خانم فائزه هاشمی و آقای ماشاءالله شمس الواعظین هم آمده بودند و صحبت کرده بودند. اما فضا، فضای پذیرش نبود!! از دوستان ما هم، آقای دکتر رضا رئیس طوسی و چندتن دیگر در جمع دانشجویان حضور داشتند.

■ آیا خود شما نیز صحبت کردید؟

□ بله؛ اما گفته های خود را خوب به یاد ندارم، فقط مضمون آن را در خاطر دارم. وقتی من برای صحبت با دانشجویان رفتم، عده ای استقبال کردند، ولی تعداد زیادی به ما بدویراه می گفتند و حتی علیه ما شعار می دادند. بیشترشان می گفتند: "سحابی سازش کرده و آمده تا ما را خاموش کند" و یا با رفتار و حالتی خاص از من می پرسیدند که چه کسی تو را مأمور کرده است؟ ولی من که می دانستم آنها بسیار رنجیده خاطر و ناراحت هستند، درصدد جواب دادن یا بحث و جدل با آنها بر نیامدم. فقط می گفتم: "الآن می گویم چه کسی مرا مأمور کرده است؛ پنجاه سال تجربه ام مرا مأمور کرده، که به شما بگویم، از اینجا بیرون نروید!"

سپس به آنها گفتم که تا به حال چند بار، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، اول بهمن ۱۳۴۰ و ۱۳ و بهمن ۱۳۵۷ به دانشگاه حمله شده است. حتی به سوی دانشجویان تیراندازی شده و آنها را به خاک و خون کشیده اند. لیکن تا آنجا که من به خاطر می آورم، از لحاظ حجم کار و وسعت حمله، از نظر میزان نفرت و شدت کینه به کار رفته، این حادثه با حوادث قبلی قابل مقایسه نیست! اما دانشجو باید با ابزار خودش اعتراض کند. ابزار دانشجو، درگیری و خشونت نیست. ابزار دانشجو، همان طور که شایسته یک انسان فرهیخته، اهل فکر و اهل بحث و استدلال است، با ابزار کسانی که در خیابان ها حمله می کنند، نعره می زنند و تخریب می کنند، فرق می کند. ابزار آنها، زورشان است و شما نباید با ابزار خودشان با آنها مقابله کنید. ابزار یک دانشجو عقلانیت، گفت و گو، بحث منطقی و دعوت است. حال اگر آنها باز هم جواب شما را با خشونت دادند، مقاومت کنید، اما در هر حال شما شروع کننده خشونت نباشید.

■ به چه دلیل شما از دانشجویان خواستید که از "کوی" خارج نشوند؟

□ صحبت اصلی ما به دانشجویان همین مطلب بود؛ چون شنیده بودیم و اطلاعاتی به ما رسیده بود که قصد حمله وسیع تری دارند. اگر تظاهرات به خیابان های "انقلاب" و "جمهوری" و پایین می رسید احتمال تیراندازی و خشونت بیشتر و... وجود داشت و من از پیامدهای این کار خیلی نگران بودم. این بود که از آنها خواستم و پافشاری کردم که به هیچ وجه از محوطه کوی بیرون نروند.

حتی بعدها ما شنیدیم که پایگاه هایی در چند نقطه تشکیل داده اند که افرادی در آنها با قیافه های میدل مجهز می شده اند؛ همچنین شنیده شده که افرادی با خشونت به تخریب و آتش زدن ماشین و اتوبوس ها و یا ضرب و شتم مردم می پرداختند. این نوع حرکات مخدوش و مبهم بود و مشخص بود که دانشجویان دست به این کارها نمی زدند. اما در نهایت نیز بر ما معلوم نشد که اینها، ضدانقلاب بودند، که از خارج از کشور آمده و برای ایجاد آشوب و بلوا پول گرفته بودند؟ یا آن که از گروه های فشار بودند؟! هنوز هم بر ما روشن نشده که چه کسانی به آن اعمال زشت دست می زدند؟

آن روز هم با توجه به خطراتی که احساس می کردم، به دانشجویان گفتم که این حرف که، "بیرون رفتن و به خیابان کشاندن اعتراضات چه آشوب ها و نتایج اسفباری می تواند داشته باشد" را از کسی که موی سپیدی دارد و تجربه ای اندوخته است، بشنوید.

■ آیا با اتفاقاتی که در آن چند روز بر دانشجویان گذشته بود، می شد از آنها انتظار داشت که ساکت

بمانند و اعتراضی نکنند؟

**وقتی من برای صحبت با دانشجویان رفتم، عده‌ای استقبال کردند، ولی تعداد زیادی به ما بدوبیراه می‌گفتند و حتی علیه ما شعار می‌دادند. بیشترشان می‌گفتند: 'سحابی سازش کرده و آمده تا ما را خاموش کند' و یا با رفتار و حالتی خاص از من می‌پرسیدند که چه کسی تو را مأمور کرده است؟ ولی من که می‌دانستم آنها بسیار رنجیده‌خاطر و ناراحت هستند، درصدد جواب دادن یا بحث و جدل با آنها بر نیامدم. فقط می‌گفتم: 'الآن می‌گویم چه کسی مرا مأمور کرده است؛ پنجاه سال تجربه‌ام مرا مأمور کرده، که به شما بگویم، از اینجا بیرون نروید!'**

□ البته نمی‌توانستند ساکت باشند و حفظ آرامش در آن روزها و شرایط کار بسیار مشکل و سختی بود. من از آنها نمی‌خواستم که اعتراض نکنند؛ بلکه تأکید کردم که حق اعتراض دارند و حتی محورهایی را برای معترض شدن به آنها پیشنهاد نمودم.

■ پیشنهاد شما به دانشجویان مشخصاً حول چه محورهایی بود؟

□ اول این که تحصن و مقاومت‌هایی از این دست را (آرام و دور از هرگونه خشونت) در درون دانشگاه ادامه دهند. دوم آن که افشا، پیگیری و مجازات حمله‌کنندگان را از مسئولان درخواست کنند.

سوم آن که استعفا یا برکناری فرمانده نیروی انتظامی تهران را خواستار شوند و این به آن جهت بود که شخص آقای لطیفیان در مصاحبه‌ای که صبح آن روز (یکشنبه ۲۰ تیر) انجام داده بودند، رسماً آن کار را تأیید کرده و امری لازم دانسته بودند!

اینها محور صحبت‌های ما بود و بعد از آن هم در جمع‌های پراکنده‌ای که با دانشجویان در گوشه و کنار تشکیل می‌شد، درباره‌ی حوادث پیش آمده و این که 'چه باید کرد؟' گفت‌وگو و بحث‌های زیادی داشتیم. از طرف روزنامه

نشاط هم به ما مراجعه کردند و ما نیز اصل صحبت‌هایمان در کوی را با ایشان در میان گذاشتیم و آنها هم چاپ و منتشر نمودند.

روز بعد، هنگام غروب، وقتی در دفتر مجله ایران فردا بودم، از سوی دفتر تحکیم وحدت با ما تماس گرفتند و گفتند: 'خوشبختانه صحبت‌های شما مؤثر بوده و دانشجویان به خیابان نرفته‌اند و قرار است به مقاومت و اعتراض در فاز دانشجویی ادامه داده شود.'

■ آیا این سخنان نشان‌دهنده‌ی این نیست که در آشوب‌های خیابانی، در روزهای بعد و تخریب و آتش‌زدن‌ها، هیچ‌یک از دانشجویان دخالتی نداشته‌اند؟

□ البته ممکن است عناصر دانشجو هم در میان آنها بوده باشند، من نمی‌توانم قاطعانه بگویم که هیچ دانشجویی در درگیری‌ها نبوده است؛ ولی اگر دانشجویی نیز در آشوب‌ها باشد، حتماً مشخصی بوده‌اند که از جای دیگر تحریک شده‌اند. اما از دفتر تحکیم وحدت، انجمن‌های اسلامی و اشخاصی که ما می‌شناختیم، نبوده‌اند.

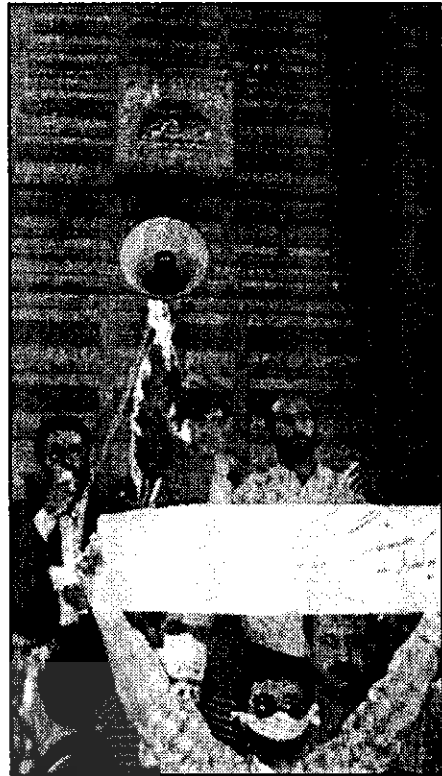
البته دوستانی که هر شب در نزدیکی دانشگاه حاضر می‌شدند از شعارهای تند و داغی که عده‌ای از دانشجویان؛ حتی علیه مسئولان مطرح می‌کردند خبر می‌دادند، ولی هیچ‌یک از این دانشجویان دست به تخریب و آشوب و حرکتی از این دست نزدند.

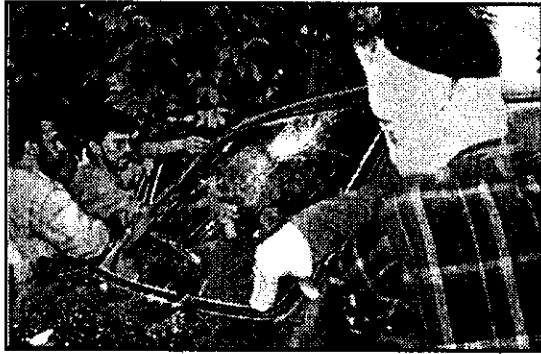
■ آیا در واقعه ۱۸ تیر کسی هم کشته شد؟

□ بله، در روز سوم حادثه باخبر شدیم یکی از دوستان خوب ما که شهرستانی نیز بود و در کوی دانشگاه حضور داشت، ناپدید شده است. این شخص "عزت ابراهیم‌نژاد" بود که بعدها مطلع شدیم، به طرز فجیعی به قتل رسیده است.

■ تحولاتی را که پس از این حادثه روی داد چگونه می‌بینید؟

□ به نظر اینجانب، حوادث بعد از این واقعه خیلی ناگوار بود. بازتاب تلخی که این حادثه در جامعه، به‌ویژه در جامعه دانشجویی باقی گذاشت، از یک سو و پیش نرفتن و عدم رسیدگی به دادخواهی‌ها، از سوی دیگر، یک نومی‌دی در میان مردم ایجاد کرد، به‌ویژه دانشجویان پس از این اتفاقات نسبت به عمل و شیوه منطقی و اعتراضات مسالمت‌آمیز دانشجویی احساس سرخوردگی کردند.





ولی آنچه از نظر شخصی برای من اهمیت داشت، حوادثی بود که "بعد" از این واقعه برای خود ما پیش آمد. بعد از این واقعه ما هم مانند دیگر مردم که از این حادثه متأثر بودند، مسئله را دنبال می‌کردیم و همچون روزنامه‌ها و نشریات، صفحاتی از نشریه را به این مسئله اختصاص داده بودیم. به خصوص مسئله شهادت عزت ابراهیم‌نژاد را مطرح کردیم و چند مقاله و گزارش درباره این مسئله در نشریه درج نمودیم.

در ۳۰ تیر سال ۱۳۷۸ از ما دعوت شد که به اهواز برویم. در خوزستان، مراسم یادبودی برای عزت ابراهیم‌نژاد برگزار شد که مادر و خواهر و برادر او در این مراسم حضور داشتند و در آنجا، حقایقی از طریقه کشته شدن فرزندشان را که بسیار دردناک و متأثرکننده بود، از آنها شنیدیم.

بعدها در جریان بازداشت ما در سال ۱۳۷۹ مشخص شد که بسیاری از فشارهایی که به ما وارد شد به دلیل پیگیری مسائل کوی دانشگاه از سوی ما بوده است و تلاش‌هایی صورت می‌گرفت تا ما اقرار کنیم که این توطئه خارجی بوده و از طرفی، دوستان ما را عامل اصلی اجرای این توطئه می‌خواندند!! و پیشنهاد بنده در برکناری یا استعفای سردار لطفیان را یک توطئه حساب شده که از خارج طراحی شده بود. آن هم به قصد تضعیف مقام رهبری و محروم کردن ایشان از نیروهای امنیتی و محافظ نظام. تلقی کردند. درحالی که از نظر من آن پیشنهاد در آن شرایط به نفع امنیت کشور و کنترل بحران بود.

دیگر این که نسبت به آقایان صابر و علی افشاری و تاج‌زاده بدگویی‌های شدیدی ابراز می‌داشتند مبنی بر این که آقایان صابر و افشاری با آقای تاج‌زاده هماهنگ کرده‌اند، تا در دورانی که بچه‌ها در "کوی" متحصن بودند، از ماشین‌های وزارت کشور برای حمل غذا و کوکتل مولوتف به داخل کوی استفاده کنند! این حرف را بارها و بارها تکرار کردند که البته من با توجه به شناخت کلی که از بچه‌ها داشتم انکار می‌کردم. بعدها، به بی‌اساس بودن این تهمت‌ها پی بردم و فهمیدم که در مورد آشوبی که با آن شدت همه ما سعی در فرونشاندن آن داشتیم، دروغ گفته‌اند و ما را از توطئه‌گران و برهم‌زنندگان دانشگاه معرفی کرده‌اند! که این بی‌انصافی بزرگی بود.

■ آیا از عواملی که به قول مقامات رسمی، از ضدانقلاب بوده و از خارج آمده و یا در این توطئه دست داشتند نیز کسی دستگیر شد؟

□ متأسفانه این افراد تعقیب نشدند و یا آن که مردم اطلاعی از تعقیب این قضیه پیدا نکردند! مثل همیشه در تمام این کارها مشاهده می‌کنیم که با آن ضدانقلاب که به گفته خود مسئولان از خارج از کشور آمده است و یا از خارج از کشور تحریک شده است، یا بنا بر همین اقوال، پول زیادی با خود آورده و در اینجا پخش می‌کند؛ آن چنان کاری ندارند و بیشتر درصدد سرکوب کردن و خراب کردن ما هستند.

متأسفانه قضایایی به این اهمیت، هیچ‌گاه از اساس و بنیاد پیگیری نمی‌شوند و آن منابعی که به ادعای خود مسئولان به خارج متصل و مربوط است و توطئه را هدایت می‌کند، به هیچ‌وجه تعقیب نشده و در نهایت ماجرا به سرکوب و زندان یا هتک حرمت و اتهام عده‌ای از ملیون و دلسوزان ختم می‌شود.



بعدها، به بی‌اساس بودن این تهمت‌ها پی بردم و فهمیدم که در مورد آشوبی که با آن شدت همه ما سعی در فرونشاندن آن داشتیم، دروغ گفته‌اند و ما را از توطئه‌گران و برهم‌زنندگان دانشگاه معرفی کرده‌اند! که این بی‌انصافی بزرگی بود

مثل همیشه در تمام این کارها مشاهده می‌کنیم که با آن ضدانقلاب که به گفته خود مسئولان از خارج از کشور آمده است و یا از خارج از کشور تحریک شده است، یا بنا بر همین اقوال، پول زیادی با خود آورده و در اینجا پخش می‌کند؛ آن چنان کاری ندارند و بیشتر درصدد سرکوب کردن و خراب کردن ما هستند